

Georgia

Borjomi
ბორჯომი

Gori

Bakuriani
ბაკურიანი

پرسمان سیاسی

ویژه تحولات قفقاز جنوبی

Balakan

Vanadzor
Վանաձոր

Ganja

Mingece

Armenia

قره‌باغ

ترکیه

Armavir
Արմավիր

Yevlakh

Yevlakh

Yevlakh

Yevlakh

Yevlakh

Yevlakh

Yevlakh

Yevlakh

Yevlakh

Yevlakh

Yevlakh

Yevlakh

Yevlakh

نخجوان

دالان
لاچین

Ulitsa
Ալի

Yankendi

دالان جعلی
زنگزور

BASIRAT.IR

ایران

Marand



پرسمان سیاسی

ویژه تحولات ففقااز جنوبی

آبان ۱۴۰۰

معاونت سیاسی نمایندگی ولی فقیه در سپاه

Published on
BASIRAT.IR

پرسمان سیاسی

ویژه تحولات ففقاز جنوبی

معاونت سیاسی نمایندگی ولی فقیه در سپاه

جمعی از نویسندگان

شمارگان: ۵۰۰۰

آبان ۱۴۰۰

مقدمه

نوع نگاه و سیاست جمهوری اسلامی ایران در قبال کشورهای مختلف اسلامی و همسایه همواره بر رعایت جدی اصول حسن همجواری و برادری مبتنی بوده است. در این میان، منطقه‌ی قفقاز جنوبی و به طور اخص، «مناقشه قره‌باغ» یکی از مهمترین موضوع‌ها و پرونده‌های منطقه‌ای است که جمهوری اسلامی ایران در طول حدود ۳۰ سال گذشته تلاش کرده تا با طرفین منازعه در قره‌باغ؛ یعنی جمهوری آذربایجان و ارمنستان، براساس علایق مشترک تاریخی، جغرافیایی، ژئوپلیتیکی و البته مذهبی، روابط دوستانه داشته و آنها را نسبت به حل و رفع بحران براساس موازین حقوق بین‌الملل و به دور از هرگونه تنش آفرینی تشویق کند.

در جنگ ۴۴ روزه سال گذشته قره‌باغ نیز جمهوری اسلامی در چهارچوب ملاحظات همیشگی خود در قبال این منطقه و طرفین منازعه، ضمن طرفداری از حقوق غصب‌شده‌ی مردم مسلمان جمهوری آذربایجان برای آزادسازی اراضی اشغالی قره‌باغ، بر خودداری از هرگونه تعرض نسبت به ارامنه و حل و فصل منازعه براساس موازین حقوق بین‌الملل تأکید داشت. با این حال، در همان زمان، وقتی زمزمه‌هایی مبنی بر قصد جمهوری آذربایجان، در همراهی رژیم صهیونیستی و ترکیه، برای تصرف مرز ایران و ارمنستان و ایجاد «دالان جعلی زنگزور» شنیده شد، جمهوری اسلامی نسبت به جاه‌طلبی جمهوری آذربایجان، با تحریک طرف‌های غیرمرتبط واکنش نشان داد و با استقرار یگان‌های نظامی در مرز مشترک با ارمنستان، سیاست خود مبنی بر مخالفت با هرگونه تغییر در مرز مشترک ایران و ارمنستان را اعلام کرد.

هنوز یک سال از آن برهه نگذشته بود که باز زمزمه‌هایی مبنی بر تلاش جمهوری آذربایجان، ترکیه و رژیم صهیونیستی برای تصرف منطقه مذکور به گوش رسید؛ اقدامی که در صورت وقوع، ضمن از بین بردن کلبه‌ی ظرفیت‌های تزانزیتی، ژئواکونومیکی و ژئوپلیتیکی ایران در مناطق شمال غربی، باعث شکل‌گیری سویه‌های جدیدی از تهدید علیه ایران در آن منطقه می‌شود. بنابراین، بار دیگر جمهوری اسلامی ایران با برگزاری رزمایش «فاتحان خیبر»،

سیاست قطعی خود مبنی بر مخالفت با هرگونه تغییر در جغرافیای مرزها و ژئوپلیتیک منطقه را به طرف‌های مختلف دخیل در این قضیه گوشزد کرد و اعلام کرد که اجازه نمی‌دهد تا در مرزهای شمالی، تهدیدی علیه آن شکل بگیرد.

باتوجه به حساسیت و اهمیت تحولات منطقه قفقاز جنوبی و تأثیرات آن بر شمال غرب ایران و گره خوردن جدی آن به تأمین امنیت، حفظ استقلال کشور و پیشینه‌سازی منافع اقتصادی و ارتباطی ایران، واکاوی ابعاد مختلف پروژه‌ای که در قفقاز جنوبی در حال اجرا می‌باشد، ضرورت دارد. بر این اساس، در متن حاضر با عنوان «پرسمان سیاسی ویژه تحولات قفقاز جنوبی» که با همت همکاران اداره تحلیل و هدایت سیاسی به ویژه آقایان دکتر احمد کاظمی و مصطفی قربانی تهیه و تدوین شده است، تلاش شد تا به سؤال‌های مختلف مرتبط با این تحولات پاسخ داده شود. امید است که برای همه مخاطبان گرامی به ویژه کارشناسان، تبیین‌گران و هادیان سیاسی مفید فایده باشد. مزید امتنان خواهد بود اگر ما را از نقطه نظرات اصلاحی و تکمیلی خود بهره‌مند سازید.

یدالله جوانی

معاون سیاسی نمایندگی ولی فقیه در سپاه

فصل اول: مسائل تاریخی

۱. واقعیت ماجرای قره‌باغ چیست؟

۳۰ سال پیش بود که جدایی طلبان جمهوری خودخوانده قره‌باغ موفق شدند با محوریت حزب افراطی داشناک اقدام به اشغال حدود ۲۰ درصد از اراضی متعلق به جمهوری آذربایجان (مناطقى مثل دهلیز لاجین، شوشا و...) کنند و دوره جدیدی از جنگ و ناامنی و تنش را در منطقه ژئوپلیتیکی قفقاز به راه بیندازند. این اتفاق در بحبوحه فروپاشی شوروی در سال ۱۳۶۹ صورت گرفت و سبب شد تا قره‌باغ کوهستانی ۳۰ سال در اشغال ارمنستان باشد. این روایت البته از سوی ارمنه پذیرفته نمی‌شود و آن‌ها با تأکید بر ایده ارمنستان بزرگ عقیده دارند که جمهوری کنونی ارمنستان تنها بخش کوچکی از ارمنستان شرقی است و به باور آنها ارمنستان بزرگ علاوه بر قره‌باغ و نخجوان، بین‌النهرین علیا، شرق آناتولی از جمله قارص، بخش‌هایی از استان آذربایجان شرقی و غربی ایران و جنوب گرجستان تا دریای سیاه را شامل می‌شود؛ روایتی که کم و بیش با واقعیت‌های تاریخ باستان نیز انطباق دارد، اما به هر صورت با تعاریف

جدیدی که در نظام بین الملل وجود دارد، چندان دستاویز مستحکمی برای اثبات حقانیت ارامنه نیست که اگر این گونه بود امپراتوری‌هایی، چون ایران و روم باستان و... نیز می‌توانستند ادعاهای مشابهی را مطرح و پیگیری کنند.

۲. سابقه‌ی درگیری جمهوری آذربایجان و ارمنستان بر سر قره‌باغ چگونه

است؟

مناقشه قره‌باغ یکی از اولین و طولانی‌ترین جنگ‌های قومی در اتحاد جماهیر شوروی سابق محسوب می‌شود که ریشه‌های آن به دوره اتحاد جماهیر شوروی و حتی پیش از آن برمی‌گردد، اما درگیری سال گذشته ارمنستان و جمهوری آذربایجان بر سر قره‌باغ، سومین تبادل آتش در این منطقه بعد از جنگ طولانی مدت سال‌های ۱۳۶۷ تا اسفند ۱۳۷۳ شمسی (۱۹۸۸ تا ۱۹۹۴ میلادی) است. پیش از این، قره‌باغ دو بار؛ یعنی نخست در اول فروردین ۱۳۹۵ (به مدت چهار روز) و دومی در ۲۲ تیر ۱۳۹۹ (به مدت چهار روز) شاهد درگیری شدید بین نیروی‌های ارمنی و آذربایجانی بود.

۳. نقش خیانت‌های رضاشاه در شکل‌گیری مسائل کنونی در شمال غرب ایران

چیست؟

در این خصوص باید به دو نکته مهم اشاره کرد:

۱. با واگذاری منطقه قره‌سو توسط رضاخان در سال ۱۳۱۰ شمسی به ترکیه، اتصال زمینی ترکیه به نخجوان آذربایجان برقرار شده است. همین امر، هم‌اکنون بهانه و محرکی است در دست ترکیه تا برای اتصال زمینی جمهوری آذربایجان به نخجوان، به فکر تصرف مرز ایران و ارمنستان باشد. توضیح آن که این امر در راستای تحقق پروژه پان ترکیسم ترکیه در قفقاز می‌باشد. این پروژه در قفقاز سه جز دارد؛ اتصال ترکیه به نخجوان که با خیانت رضاشاه در واگذاری قره‌سو به ترکیه تأمین شده است. بحث خزر و انتقال منابع گازی از آسیای

مرکزی (ترکمنستان، ازبکستان و قزاقستان) به ترکیه و اروپا از طریق دریای خزر که تا حدودی در کنوانسیون رژیم حقوقی خزر مرتفع شده (هرچند هنوز اجرایی نشده و لازم است با عدم تصویب در مجلس از اجرایی شدن آن ممانعت کرد) و بحث جنوب ارمنستان (منطقه سیونیک) و اتصال جمهوری آذربایجان به نخجوان.

۲. با واگذاری قره‌سو به ترکیه، بخشی از مرز ایران با ارمنستان از دست رفته و بنابراین، تنها راه ارتباط با ارمنستان، از جنوب این کشور امکان‌پذیر است. نکته مهم در این زمینه آن است که شبیه همین خیانت را رضاشاه در ارتباط با مرزهای شرقی و افغانستان، در قالب واگذاری «دشت ناامید» به افغانستان که سرچشمه‌های هیرمند از آنجا نشأت می‌گیرد، مرتکب شده است. مهمترین دلیل اختلافات ایران و افغانستان بر سر حق‌آبه هیرمند نیز ریشه در همین خیانت دارد.

فصل دوم:

ایران و تحولات قفقاز جنوبی

۴. جمهوری اسلامی ایران در طول سه دهه اخیر نسبت به مناقشه قره‌باغ چه

موضعی داشته است؟

جمهوری اسلامی ایران بعد از فروپاشی شوروی و مناقشه آذربایجان و ارمنستان بر سر قره‌باغ، همواره حامی آذربایجان برای آزادسازی قره‌باغ بوده است؛ به گونه‌ای که در جریان جنگ اول قره‌باغ در سال ۱۳۶۷، ایران کمک‌های متعددی (حتی تسلیحاتی و در قالب حضور نظامی) به جمهوری آذربایجان داشته است. علاوه بر این، در همان زمان، ایران با باز کردن مرزهای خود بر روی آذری‌ها، آنها را از محاصره ارمنی‌ها نجات داد و در طول زمان‌های مختلف، با باز گذاشتن مسیر ارتباطی جمهوری آذربایجان به نخجوان از طریق خاک خود، همواره تأمین‌کننده‌ی امکان‌های ارتباطی آذربایجان با نخجوان بوده است. در درگیری‌های

سال گذشته نیز جمهوری اسلامی بار دیگر بر حقوق مسلم مردم آذربایجان در آزادسازی قره‌باغ تأکید داشت؛ موضعی که بسیار به نفع دولت باکو بود و حتی دل‌خوری ارمنی‌ها از ایران را در پی داشت.

در همین راستا باید گفت که در عین حال، ایران در طول حدود سه دهه گذشته سعی کرده است نقش میانجی‌گری را در قره‌باغ ایفاء نماید. در واقع، تهران در قبال تصرف اراضی آذربایجان موضع بینابینی اتخاذ کرده و ضمن گسترش روابط با ارمنستان، بر حل بحران قره‌باغ براساس قواعد حقوق بین‌الملل تأکید کرده است. البته جمهوری اسلامی ایران در دهه ۱۳۷۰ بیشترین کمک‌ها در عرصه‌های سیاسی، نظامی و لجستیکی را به باکو داشته است؛ کمک‌هایی که بیش از هر چیز به موازنه در منطقه کمک می‌کرد.

۵. چه عوامل و متغیرهایی بر نقش آفرینی جمهوری اسلامی در مناقشه قره‌باغ

تأثیر می‌گذارد؟

مؤلفه‌ها و عوامل متعددی را می‌توان شناسایی کرد که بر کم و کیف نقش آفرینی جمهوری اسلامی در مناقشه قره‌باغ که به یک مناقشه پیچیده و حساس تبدیل شده است، تأثیر می‌گذارد. از برآیند تأثیرگذاری این متغیرها و عوامل است که سیاست ایران در خصوص مناقشه قره‌باغ شکل می‌گیرد. در این راستا، عوامل کلیدی و متغیرهای مهمی وجود دارد که عبارتند از: ۱- جایگاه ژئوپلیتیکی و ژئواستراتژیکی قفقاز؛ ۲- اشتراکات مذهبی، تاریخی و تمدنی؛ ۳- مسائل اقتصادی و تجاری؛ ۴- حساسیت‌های امنیتی و سیاسی.

۶. چرا ایران همواره از حل و فصل مناقشه قره‌باغ استقبال می‌کند؟

حل و فصل بحران قره‌باغ برای جمهوری اسلامی ایران ضرورتی مهم و راهبردی است و در سیاست خارجی ایران از اهمیت بسزایی برخوردار است. ایران دست کم به چند دلیل مهم خواهان حل و فصل مناقشه قره‌باغ است:

۱. عملیات نظامی در طول مرزهای ایران، خطری جدی برای امنیت جمهوری اسلامی محسوب می‌شود. به خصوص که طولانی شدن مناقشه و یا وقوع مجدد جنگ بین جمهوری آذربایجان و ارمنستان می‌تواند به حضور نیروهای نظامی کشورهای خارجی در منطقه بیانجامد. مسلماً چنین امری بر خلاف منافع و دکرترین امنیتی جمهوری اسلامی ایران است.
۲. طولانی شدن مناقشه می‌تواند به وقوع مشکلات اقتصادی و اجتماعی زیادی همچون مهاجرت و پناهندگی افراد جنگ زده منجر شود. ایران طی سال‌های پس از انقلاب میزبان حدود ۴ میلیون پناهنده از افغانستان و عراق بوده که هر کدام از آن‌ها مشکلات خاصی را برای کشور ایجاد کرده‌اند. این در حالی است که وقوع یک جنگ جدید میان جمهوری آذربایجان و ارمنستان می‌تواند موجب گسیل شدن سیل پناهندگان از این کشورها به مرزهای شمالی ایران شود. این پدیده برای جمهوری اسلامی چندان خوشایند نیست و می‌تواند ایران را با مشکلات متعددی مواجه نماید.
۳. ممکن است جنگ جمهوری آذربایجان و ارمنستان به سود یکی از آن‌ها تمام شود و موازنه قدرت در منطقه از بین برود. چنین امری به نفع ایران نیست؛ زیرا ایران خواهان توازن قدرت بین ارمنستان و آذربایجان است. به همین دلیل ایران همیشه از هر ابتکار عملی که با هدف حل و فصل کشمکش‌ها بدون هرگونه تغییر در مرزهای شناخته شده بین‌المللی باشد استقبال کرده است.
۴. درگیری آذربایجانی - ارمنی ضمن اینکه ظرفیت درگیری‌سازی ترکیه و روسیه در حمایت از طرفین مناقشه را دارد، می‌تواند دسترسی کامل ایران به اروپا را مختل کند. بدون تردید، این رخدادها در راستای منافع ملی ایران قرار ندارد.
۵. با توجه به پیوندها و ارتباط‌هایی که میان آذربایجان و ارمنستان با آمریکا و روسیه وجود دارد، ممکن است درگیری میان باکو و ایروان به برخورد مسکو و واشنگتن و حضور نظامی

آنها در منطقه منجر شود. این موضوع نیز برای جمهوری اسلامی ایران که خواهان حل و فصل مناقشه بدون حضور قدرت‌های فرامنطقه‌ای است، تهدیدی مستقیم محسوب می‌شود.

۷. منافع و ملاحظات راهبردی جمهوری اسلامی ایران در ارتباط با منطقه

قفقاز چیست؟

۱. عدم شکل‌گیری هرگونه تهدید برای ایران از این مناطق از سوی تکفیری‌ها و صهیونیست‌ها؛

۲. مخالفت با هرگونه تغییر غیرقانونی در مرزهای کشورهای منطقه؛

۳. حمایت از خواسته‌های مشروع مردم مسلمان کشورهای این منطقه (حمایت نسبی ایران از باکو در مناقشه قره‌باغ به این دلیل بود که این امر، یک خواسته‌ی مشروع مردمی بود)؛

۴. حساسیت و مخالفت نسبت به هرگونه تحرک تجزیه‌طلبانه و قوم‌محورانه مانند آنچه در قالب پروژه پان‌ترکیسم و از جانب ترکیه و رژیم صهیونیستی پی‌گیری می‌شود؛

۵. جلوگیری از هرگونه امکان قطع مسیرهای دسترسی ایران به اروپا؛

۶. جلوگیری از هرگونه تغییری که به پتانسیل‌های ایران در حوزه انرژی لطمه می‌زند؛

۷. مخالفت با نقش‌آفرینی قدرت‌های غیرمنطقه‌ای و ثالث در مسائل و فراهم شدن هرگونه امکان حضور آنها در این منطقه.

۸. چرا ایران در برخورد با جمهوری آذربایجان - همانند مواضع سال گذشته

ایران در قبال قره‌باغ - با مامشات برخورد می‌کند؟

در خصوص سیاست جمهوری اسلامی ایران در قبال جمهوری آذربایجان باید میان سه حوزه تمایز قائل شد: مردم جمهوری آذربایجان، دولت باکو و نفوذ رژیم صهیونیستی در این کشور. جمهوری اسلامی ایران نسبت به نفوذ صهیونیست‌ها در کشور همسایه شمالی خود هیچ‌گونه مامشاتی را نمی‌پذیرد، اما در مواجهه با دولت آذربایجان و بویژه مردم آذربایجان

در چهارچوب رابطه برادری و حسن همجواری عمل می‌کند. در قضیه جنگ ۴۴ روزه سال گذشته قره‌باغ هم اگر جمهوری اسلامی به گونه‌ای موضع‌گیری کرد که در عمل به نفع جمهوری آذربایجان بود، این امر دو دلیل اساسی داشت:

۱. قره‌باغ به لحاظ تاریخی جزو خاک آذربایجان محسوب می‌شود که ارمنی‌ها آن را به زور غصب کرده‌اند و جمهوری اسلامی در این مناقشه، از حقوق غصب‌شده‌ی آذربایجانی‌ها طرفداری کرد.

۲. دوم این که آنچه ایران در جریان مناقشه سال گذشته قره‌باغ انجام داد، در واقع، حمایت از خواسته‌های مردم مسلمان آذربایجان به عنوان عمق راهبردی ایران در منطقه قفقاز جنوبی بود؛ زیرا مسأله‌ی قره‌باغ برای مردم آذربایجان جزو مسائل حیاتی و مهم محسوب می‌شود. در این میان، اگرچه موضع ایران به نفع دولت جمهوری آذربایجان هم بود، اما مخاطب اصلی ایران، مردم آذربایجان بودند.

۹. وضعیت حسینیون در آذربایجان چگونه است؟

حسینیون در آذربایجان شامل رزمندگان مدافع حرم آذربایجانی است که در جریان بحران سوریه، با هدایت سردار شهید حاج قاسم سلیمانی تشکیل شد. این رزمندگان در سوریه، بیشتر در حوزه‌های اطلاعاتی و نرم‌افزاری فعالیت داشتند و اگرچه جزو ظرفیت‌های مهم ایران در جمهوری آذربایجان محسوب می‌شوند، اما بشدت از جانب دولت جمهوری آذربایجان، تحت فشار هستند.

۱۰. آیا احتمال درگیری و برخورد نظامی در مرزهای شمالی ایران میان

ایران و سایر طرف‌ها وجود دارد؟

باتوجه به ترسیم جدی خطوط قرمز و مخالفت ایران با هرگونه تغییر در ژئوپلیتیک منطقه، به نظر می‌رسد که پیام‌های بازدارنده لازم به طرف مقابل صادر شده است. با این وجود، چنانچه

پایگاه‌های اطلاعاتی و پهبادی رژیم صهیونیستی در جمهوری آذربایجان برچیده نشود، یا ترکیه و باکو برای اشغال جنوب ارمنستان تلاش کنند، احتمال بالا گرفتن تنش‌ها در مناطق شمالی ایران بالا می‌باشد.

۱.۱. تسخیر مرز ایران و ارمنستان توسط ترکیه و جمهوری آذربایجان، در

حوزه‌ی ترانزیتی، چه پیامدها و تبعاتی برای ایران در پی خواهد داشت؟

شکل‌گیری دالان تورانی، ظرفیت‌های ژئوپلیتیکی ایران در ارتباط با روسیه، ارمنستان، کریدور شمال - جنوب که از هند شروع می‌شود و با عبور از ایران به روسیه و فنلاند می‌رسد، را تحت الشعاع قرار می‌دهد و دچار اختلال می‌کند. علاوه بر این، بحث کریدوری که میان خلیج فارس و دریای سیاه مطرح است، هم دچار اختلال می‌شود. در توضیح باید گفت که بین ایران، ارمنستان و گرجستان در شرق دریای سیاه با بلغارستان در غرب دریای سیاه و یونان طرحی آماده شده است که کریدوری ترانزیتی بین خلیج فارس (از طریق بندر چابهار) و دریای سیاه ایجاد شود. هدف ما از این کریدور این است که اتصال ایران به اروپا محدود به یک راه نشود. حال در صورت تغییر در مرز ایران و ارمنستان، این امکان و فرصت هم برای ایران از بین می‌رود.

بحث دیگر مربوط به ارتباط با اتحادیه اقتصادی اوراسیا می‌باشد. مطابق با قرارداد تجارت آزاد با این اتحادیه، به مدت سه سال، تجارت ۸۶۲ قلم کالا با این اتحادیه مشمول تخفیف یا حذف حقوق گمرکی می‌باشد. همین امر می‌تواند موجب چندین برابر شدن رقم تجارت ما با این اتحادیه شود که اتفاقاً هم‌اکنون آهنگ فزاینده دارد. نکته مهم در این میان آن است که ارمنستان تنها کشور عضو این اتحادیه است که با ما هم‌مرز می‌باشد؛ یعنی ارتباط با چهار کشور دیگر عضو این اتحادیه تنها از طریق ارمنستان امکان‌پذیر است که در صورت از بین رفتن ارتباط زمینی ایران با ارمنستان، روابط ایران با اتحادیه اقتصادی اوراسیا تحت تأثیر جدی

قرار می‌گیرد. بنابراین، از دست رفتن مرز ایران با ارمنستان، قدرت بازیگری ایران در حوزه‌های مختلف منطقه‌ای و بین‌المللی را متأثر می‌سازد.

۱۲. تسخیر مرز ایران و ارمنستان توسط ترکیه و جمهوری آذربایجان، در

حوزه‌ی انرژی، چه پیامدها و تبعاتی برای ایران خواهد داشت؟

در این خصوص زمینه برای انتقال گاز از آسیای مرکزی و قفقاز به اروپا فراهم می‌شود و از این طریق، مزیت‌های ایران در حوزه انرژی هم از بین می‌رود. در توضیح باید گفت که در واقع، زمینه برای اجرای طرح «ترانس خزر» فراهم می‌شود؛ طرحی که براساس آن، قرار است گاز ترکمنستان از بستر خزر به باکو و از آنجا به ترکیه و اروپا منتقل شود. ترکمن‌ها گفته‌اند که این خط لوله چون ارمنستان را دور می‌زند، اقتصادی نیست. اکنون در صورت ایجاد دالان تورانی، طرح ترانس خزر به طور جدی در دستور کار قرار می‌گیرد. نکته اصلی در این خصوص آن است که جمهوری آذربایجان به تنهایی نمی‌تواند تأمین‌کننده گاز اروپا باشد و برای این منظور، به گاز سایر کشورها چون ترکمنستان، ازبکستان و قزاقستان نیاز است. حال چون کنوانسیون حقوقی خزر نهایی نشده، این کشورها نمی‌توانند از بستر خزر برای انتقال گاز خود به اروپا استفاده کنند. در صورت تصویب کنوانسیون مذکور در مجلس شورای اسلامی، انتقال گاز از آن کشورها به اروپا صرفه اقتصادی پیدا می‌کند و در این صورت، خط لوله ناباکو (انتقال گاز ایران به اروپا) منتفی می‌شود و امکان بازیگری ایران در این حوزه از بین می‌رود. علاوه بر این، هم‌اکنون در داخل کشور چهار خط لوله انتقال گاز داریم که در صورت ایجاد دالان تورانی، از بین می‌روند. این چهار خط عبارت‌اند از:

۱. خط لوله انتقال گاز به ارمنستان به مدت ۲۰ سال

۲. خط لوله انتقال گاز به ترکیه به مدت ۲۵ سال

۳. در خط دیگر، در آستارا از جمهوری آذربایجان گاز می‌گیریم و در ازای آن، به نخجوان گاز می‌دهیم و بابت این کار، ۱۵ درصد حق ترانزیت می‌گیریم که رقم قابل توجهی می‌شود.

۴. خط لوله انتقال (سوآپ) گاز ترکمنستان به ترکیه از مسیر ایران

در صورت ایجاد دالان تورانی، دیگر ترکیه از ما گاز نمی‌خرد، نمی‌توانیم به نخجوان گاز منتقل کنیم و به احتمال زیاد، با فشار و تشویق ارمنستان هم باعث خواهند شد که این کشور به جای ایران، گاز خود را از جمهوری آذربایجان تأمین کند. سوآپ گاز ترکمنستان به ترکیه هم برای همیشه منتفی خواهد شد. بنابراین، ایجاد این دالان، کاملاً به ایران خسارت می‌زند. نکته جالب آنکه قرارداد گازی ما با نخجوان و ارمنستان ۲۰ ساله و با ترکیه ۲۵ ساله است که یک تا سه سال از اعتبار آنها باقی مانده است. اگر تغییر ژئوپلیتیکی در مرزهای شمالی صورت گیرد، دیگر قراردادهای پیش‌گفته با ایران تمدید نخواهد شد.

۱۳. تسخیر مرز ایران و ارمنستان توسط ترکیه و جمهوری آذربایجان و ایجاد

دالان تورانی چه پیامدهای سیاسی، امنیتی و نظامی در پی خواهد داشت؟

شاید بتوان گفت که مهمترین پیامد سیاسی، امنیتی و نظامی ایجاد این دالان، تعمیق وابستگی جمهوری آذربایجان به ترکیه است؛ به گونه‌ای که می‌توان گفت در صورت ایجاد این دالان، وابستگی جمهوری آذربایجان به ترکیه به صورت «تحت‌الحمايگی» درمی‌آید. نکته مهمتر در این زمینه آن است که الهام علی‌اف، با عدول از ایده‌های پدرش مبنی بر آذربایجان‌گرایی (تفاوت آذری‌ها با ترک‌ها)، جمهوری آذربایجان را در اختیار ترکیه قرار داده و اکنون در خدمت پروژه‌ی نوعثمانی‌گرایی ترکیه قرار گرفته است. لذا تکمیل دالان تورانی، سویه‌های عثمانی‌گرایی در منطقه را تقویت می‌کند. همین امر می‌تواند منشأ ایجاد چالش جدی برای ایران بویژه در حوزه قوم‌گرایی، بویژه در مناطق شمال غربی کشورمان باشد.

علاوه بر این، می‌تواند باعث تقویت سازمان باصطلاح کشورهای ترک‌زبان (ترک سوی) شود. این سازمان شامل ترکیه، جمهوری آذربایجان، قبرس و کشورهای آسیای مرکزی به جز تاجیکستان است. این سازمان در ۳۰ سال گذشته بروز و ظهوری نداشته، اما اکنون که بحث دالان تورانی مطرح است، جان تازه‌ای گرفته و حتی زمزمه‌های تشکیل ناتوی ترکی را هم مطرح می‌کنند که البته ترکیه این ناتو را به علائق آمریکا و انگلیس وصل کرده است. بنابراین، از نظر ترک‌ها، در صورت ایجاد اینگونه دالانی، از طریق آسیای مرکزی به چین وصل می‌شوند. در این صورت، ناتو از طریق آسیای مرکزی به چین می‌رسد و برای چین، روسیه و ایران که مناطق ترک‌نشین دارند، کانون‌های جدیدی از تهدید و ناامنی ایجاد می‌شود.

بحث دیگر در حوزه سیاسی، امنیتی و نظامی، به حضور رژیم صهیونیستی در جمهوری آذربایجان و تأثیرات آن برمی‌گردد که نظر به اهمیت آن به صورت مستقل در ادامه به آن می‌پردازیم.

۱۴. تغییر ژئوپلیتیکی در مرزهای شمالی ایران و ایجاد دالان تورانی چه

تأثیری بر روی حق آبه ارس برای ایران خواهد داشت؟

ایران در طول همه سال‌های گذشته از رود ارس کمتر از آنچه استحقاقش را داشته است، حق آبه برداشت کرده و این حق آبه‌ها به برخی فعالیت‌های کشاورزی و صنعتی در جلگه مغان محدود بوده است. پیش از این، رود ارس یک رود مرزی مشترک میان ایران و ارمنستان و جمهوری آذربایجان معرفی می‌شد که پس از عبور از مناطق کوهستانی منطقه در نهایت به رود کورا و پس از آن به دریاچه‌ی خزر می‌ریخت. اما حالا و پس از توافق سال گذشته ارمنستان و آذربایجان، بویژه با توجه به طمع ترکیه و جمهوری آذربایجان برای تسخیر نوار مرزی ایران و ارمنستان، این احتمال وجود دارد که دسترسی و تسلط جمهوری آذربایجان بر

رود ارس افزایش پیدا کند. با توجه به نیازهای روزافزون ایران به منابع آب در شمال غرب کشور و دست بالای جمهوری آذربایجان در این رابطه، چندان بعید از ذهن نیست که در آینده در این حوزه (برداشت و مصرف حق آبه ارس) برای ایران مشکلاتی به وجود آید.

۱۵. آیا اقدام جمهوری آذربایجان برای ممانعت از عبور کامیون‌های ایرانی،

اقدامی مشروع محسوب می‌شود؟

اقدام جمهوری آذربایجان در مزاحمت و ممانعت از عبور کامیون‌های ایرانی از مرز این کشور، از چند نظر، ایراد اساسی دارد:

۱. **از نظر حقوقی:** براساس کنوانسیون‌های بین‌المللی ترانزیت که جمهوری آذربایجان هم عضو آنها می‌باشد، وقتی یک کشور نقش میان‌راه داشته باشد؛ یعنی نه جزو مقصد باشد و نه مبدأ، در صورتی که آن کشور میان‌راه عضو کنوانسیون‌های ترانزیتی باشد، حق گرفتن عوارض گمرکی و مالیات و حتی حق بازرسی محموله‌ها را ندارد. از جمله این کنوانسیون‌ها، کنوانسیون بین‌المللی ترانزیت از طریق جاده (CMR) است. بنابراین، به لحاظ حقوقی ادعای آذربایجان سندیت و مشروعیت ندارد.

۲. **به لحاظ عرف سیاسی:** از این نظر هم این اقدام آذربایجان صحیح نیست. براساس عرف سیاسی بین‌المللی، هرگاه کشوری بخواهد تصمیمی بگیرد که مرتبط با سایر کشورها است، باید بازه‌ی زمانی داشته باشد و آن را از مجاری رسمی به کشورهای ثالث اطلاع دهد. جمهوری آذربایجان این اقدام را انجام نداده است.

۳. **از نظر اخلاقی و رعایت حسن‌همجواری:** ممانعت جمهوری آذربایجان برای عبور کامیون‌های ایرانی از راه کاپان (قاپان) - گوریس در حالی است که حدود ۳۰ سال است که جمهوری آذربایجان تنها از طریق ایران و استفاده از مسیرهای زمینی و هوایی ایران است که توانسته با نخجوان ارتباط خود را حفظ کند. اگر ایران کریدور بیله‌سوار را می‌بست، در

نخجوان فاجعه انسانی شکل می‌گرفت. علاوه بر این، ایران در سال‌های گذشته بیش از پنج میلیون دلار کمک بلاعوض به جمهوری آذربایجان، در زمینه‌ی توسعه‌ی راه‌های مواصلاتی و اجرای پروژه‌های راه‌سازی داشته که به طور عمده از سوی شرکت ایرانی «آذر - پاسیلو» این هزینه‌ها تأمین شده است. قابل ذکر است که در همین راستا، حدود ۵۰ کیلومتر از جاده استراتژیک آستارا به سمت باکو توسط ایران ساخته شده است. با وجود این، اقدام اخیر جمهوری آذربایجان در مزاحمت برای تردد کامیون‌های ایرانی، نشان قدرشناسی و عدم رعایت برادری و حسن‌همجواری محسوب می‌شود.

بنابراین، مزاحمت برای تردد کامیون‌های ایرانی در مرز ایران و جمهوری آذربایجان(راه کاپان - گوریس) صرفاً بهانه بود. اصل بحث در اینجا به قول‌ها و تعهداتی مربوط می‌شود که در جریان جنگ اخیر قره‌باغ، جمهوری آذربایجان به ترکیه و رژیم صهیونیستی داده و هم‌اکنون موعد عمل به آنها فرا رسیده است.

۱۶. رزمایش فاتحان خیبر و قدرت‌نمایی نظامی ایران در منطقه شمال غرب، به

چه دلایلی بر گزار شد؟

در این خصوص توجه به دو نکته ضروری است:

۱. در یک سال اخیر، ترکیه و جمهوری آذربایجان تلاش کردند تا از فضای شکست و تحقیر تحمیل شده بر ارمنی‌ها استفاده کنند؛ به این ترتیب که با استفاده از حضور پاشینیان در جایگاه قدرت و ریاست ارمنستان، دالان ادعایی را از طریق مذاکره تسخیر کنند. شایعات و خبرهایی می‌رسید که احتمال تبانی ارمنستان با ترکیه و جمهوری آذربایجان در این موضوع وجود دارد. بر همین اساس بود که رزمایش فاتحان خیبر برگزار شد. در واقع، با این رزمایش، ایران هم به جمهوری آذربایجان و ترکیه پیام مخالفت با هرگونه تغییر ژئوپلیتیکی را صادر کرد و هم به طور غیرمستقیم، به ارمنستان این پیام را داد که در صورت پافشاری بر حفظ حقوق خود می‌تواند روی

حمایت ایران حساب کند. واقعیت آن است که اگر ارمنستان احساس کند که در این قضیه بدون حامی است، ممکن است در مقابل تهدیدها و تطمیع‌های ترکیه و جمهوری آذربایجان تسلیم شود.

۲. علاوه بر این، باید به آشکار شدن نیات نظامی جمهوری آذربایجان و ترکیه برای اشغال نظامی کریدور مذکور (مرز ایران و ارمنستان) هم اشاره کرد. در توضیح باید گفت که آنها تصمیم داشتند این اقدام را در مقطع برگزاری انتخابات ریاست جمهوری ایران انجام دهند؛ زیرا پیش‌بینی می‌کردند که بعد از انتخابات، ایران گرفتار آشوب می‌شود و آنها می‌توانند با انجام یک عملیات سریع، کار را یکسره کنند. ضمن اینکه امیدوار هم بودند که ایران گرفتار تحولات همسایه شرقی (افغانستان) خواهد شد. اما وقتی دیدند که هیچکدام این پیش‌بینی‌ها محقق نشد، احساس کردند با گذشت زمان ممکن است تحولات به ضرر آنها پیش برود. بنابراین، تصمیم گرفتند تا در شرایط استقرار دولت جدید ایران، کار خود را شروع کنند که البته با تدبیر و اقدام قاطع و به موقع نظام مواجه شد.

۱۷. دستاوردهای رزمایش فاتحان خیبر چه بود؟

این رزمایش علاوه بر نمایش قدرت دفاعی جمهوری اسلامی ایران، با ترسیم خطوط قرمز ایران در ارتباط با تحولات منطقه‌ی قفقاز و به طور دقیق‌تر، مخالفت با تغییر خطوط مرزی، نوعی بازدارندگی در مقابل ایجاد هرگونه تغییر ژئوپلیتیکی به ضرر ایران ایجاد کرد. مبتنی بر ایجاد همین بازدارندگی و ناتوانی طرف‌های مقابل بود که الهام علی‌اف موضع تندی علیه ایران اتخاذ کرد. دستاورد این رزمایش وقتی بیشتر مشخص می‌شود که با نگاهی به تاریخ ایران، بدانیم که مناطق شمالی در دوره‌ی قاجار، به دلیل ضعف توان دفاعی در برابر روسیه، همواره عرصه‌ای برای شکست و تحقیر ایرانیان بوده است، اما هم‌اکنون با اتکا به این توان بازدارنده دفاعی، نه تنها دیگر شکستی برای ایران و ایرانیان رخ نمی‌دهد، بلکه امروزه ایرانی به خود می‌بالد که در قامت یک قدرت بزرگ قادر است تا مانع از رخداد هرگونه تغییری باشد که با امنیت و منافع ملی ایران مغایرت دارد.

فصل سوم:

بازیگران دخیل و ابعاد بین‌المللی ماجرا

۱۸. در ارتباط با جنگ ۴۴ روزه قره‌باغ در سال گذشته، چرا با گذشت بیش از ۲۶ سال از آتش‌بس در مناقشه قره‌باغ، به یک باره تمام معادلات تغییر پیدا کرد و درگیری‌ها به این شکل پایان یافت؟

برای پاسخ به این سؤالات باید سابقه این موضوع را طی ۲۶ سال گذشته بررسی کنیم. از زمانی که در سال ۱۹۹۴ بین جمهوری آذربایجان و ارمنستان با میانجی‌گری گروه مینسک و سازمان ملل آتش‌بس برقرار شد، طی این ۲۶ سال هرگونه اقدام از سوی جمهوری آذربایجان در دو سطح دیپلماتیک و نظامی، جهت آزادسازی اراضی اشغالی خود، که شامل ۷ شهر در خارج از منطقه قره‌باغ بود، با واکنش بسیار تند و سخت کشورهای غربی و روسیه مواجه می‌شد و ترکیه نیز در این زمان هیچ اقدامی را به نفع جمهوری آذربایجان انجام نمی‌داد و

بلکه در مقطعی بین سال‌های ۲۰۰۰ تا ۲۰۰۸ میلادی، سیاست آشتی با کشور ارمنستان را در دستور کار خود قرار داده بود. در سال ۲۰۱۲ که جمهوری آذربایجان به عنوان عضو غیر دائم شورای امنیت، رئیس دوره‌ای این شورا بود، حتی با استفاده از این فرصت هم نتوانست بیانه‌ای هر چند ساده از سوی شورای امنیت در زمینه تأکید بر چهار قطع‌نامه سال ۱۹۹۳ دریافت کند. اینکه سال گذشته چه اتفاقی رخ داد که در مناقشه قره‌باغ همه بازیگران با آزادی مناطق اشغال شده جمهوری آذربایجان موافقت کردند و عملاً نظاره‌گر این شدند که ارتش ارمنستان با یک شکست بسیار سنگین مواجه شد، به نقش‌آفرینی ترکیه و رژیم صهیونیستی برمی‌گردد که در ادامه به آن می‌پردازیم.

۱۹. بازیگران اصلی بحران قره‌باغ چه کشورهایی هستند؟

درگیری اخیر قره‌باغ دارای سه بازیگر اصلی در صحنه، یعنی آذربایجان، ترکیه و رژیم صهیونیستی است و دو بازیگر، یعنی آمریکا و انگلیس در پشت صحنه قرار دارند و امورات از قبل با آن‌ها هماهنگ شده بود و در این میان روسیه هم بازیگری بود که رویکردی واکنشی داشت. در این میان این که چه عاملی باعث شد کشورهای غربی با ترکیه و جمهوری آذربایجان همراهی کنند، حاصل تعهدی است که باکو و آنکارا از طریق رژیم صهیونیستی به کشورهای غربی داده‌اند که بعد از پیروزی در فاز اول که اراضی اشغالی جمهوری آذربایجان آزاد شد، در فاز دوم از طریق نقشه‌های از قبل پیش‌بینی شده شروع به ایجاد کانون جدید

۱ - بهره‌برداری از ظرفیت‌های قوم‌گرایانه پان‌ترکیسم یکی از برنامه‌های مهم رژیم صهیونیستی است. در این زمینه خانم برندا شیفر، استاد دانشگاه هرتزلیا و دانشگاه حیفا و مشاور پیشین ارتش رژیم صهیونیستی، تلاش بسیار زیادی را دنبال می‌کند. آثار و نوشته‌های وی یکی از تاثیرگذارترین منابع تئوریک در جنبش قومی و تجزیه طلب شمال غرب کشور است. وی نخستین کسی بود که افسانه جمعیت سی میلیونی برای آذری‌های ایران را مطرح و سعی کرد به گونه‌ای شیخ محمد خیابانی را مرتبط با عقبه تاریخی قوم‌گرایی نشان دهد. او در ترغیب آمریکا و رژیم صهیونیستی جهت حمایت از دولت باکو نقش زیادی ایفا می‌کند. شیفر که تز دکتری خود را در خصوص جنبش قومی در آذربایجان در دانشگاه تل‌آویو ارائه داده است، تحریک اقوام آذری علیه جمهوری اسلامی ایران را به عنوان یک برنامه راهبردی مورد حمایت رژیم صهیونیستی و آمریکا در دستور کار دارد. وی بعد از مناقشه اخیر قره‌باغ به ارزیابی نقش این رخداد در گسترش اعتراضات در مناطق ترک‌نشین ایران علیه جمهوری اسلامی و بی‌ثبات‌سازی ایران پرداخت.

بحران علیه جمهوری اسلامی ایران کنند و این اقدام در راستای فشار حداکثری است که آمریکا در سیاست‌های خود علیه ایران دنبال می‌کند. در این زمینه البته معادلات انرژی بسیار نقش تاثیرگذاری در موضع‌گیری کشورهای غربی داشت. بنابراین، همه بازیگران دارای یک هدف مشترک هستند و آن، تغییر ژئوپلیتیک منطقه علیه جمهوری اسلامی ایران است، اما جمهوری آذربایجان و ترکیه اهداف دیگری را نیز دنبال می‌کنند.

۲۰. هدف جمهوری آذربایجان از سرگیری مجدد مناقشه قره‌باغ چه بود؟

هدف جمهوری آذربایجان در این جنگ بیش از هر چیز، جلوگیری از بحران‌های داخلی بود. خاندان الهام علی‌اف در آذربایجان احساس کردند که به ایستگاه پایانی قدرت نزدیک می‌شوند. وقتی روبرت کوچاریان و سرژ سارگسیان، به ترتیب دومین و سومین رؤسای جمهور ارمنستان، که به لحاظ ریشه‌ای به مراتب قوی‌تر از خاندان الهام علی‌اف هستند، در ارمنستان با وقوع انقلاب رنگین کنار گذاشته شدند و نیکول پاشینیان بر مسند حکومت مستقر شد، این شرایط موضوع کنار گذاشتن الهام علی‌اف در جمهوری آذربایجان که برخوردار از اختلافات عمده داخلی هم هست، خیلی دور از ذهن نبود. در این شرایط الهام علی‌اف، آزاد سازی قره‌باغ را بهترین موقعیت دانست تا با بهره‌برداری از آن بتواند حکومت خود را ادامه دهد. در واقع، خاندان علی‌اف حدود ۳۰ سال برای آزادسازی قره‌باغ حکومت کردند و معتقد هستند که حدود ۳۰ سال دیگر هم می‌توانند به عنوان قهرمان آزادی بر جمهوری آذربایجان حکومت کنند.

۲۱. هدف ترکیه از دخالت در مناقشه قره‌باغ چیست؟

هدف و انگیزه کشور ترکیه از حضور در این مناقشه را بیشتر باید در قالب نوع‌ثمانی‌گرایی مورد ارزیابی قرار داد. اردوغان بیشتر دنبال این است که بتواند پا جای پای سلطان سلیم اول بگذارد. پایه سیاست‌های نوع‌ثمانی‌گرایی ترکیه بر دو محور استوار است:

اول: پان ترکیسم؛

دوم: استفاده از نیروهای اخوانی، تکفیری و شبه نظامیان ترکیه در سوریه.

ترکیه در قفقاز به دنبال این است که به یک منطقه بکر و دست نخورده‌ای که می‌تواند ظرفیت‌های منطقه‌ای این کشور را به شدت توسعه دهد، دست یابد. ترکیه در جمهوری آذربایجان به دنبال تاسیس پایگاه نظامی و در نگاهی فراتر به دنبال تحت‌الحمایه قرار دادن جمهوری آذربایجان است. جمهوری آذربایجان برای ترکیه اهمیت زیادی در حوزه‌های مختلف اعم از انرژی و مسائل پان ترکیستی دارد و می‌تواند به عنوان یک ابزار در دست ترکیه باشد که از آن علیه ایران و روسیه استفاده کند. ترکیه همچنین به دنبال تاسیس خطوط جدید انتقال انرژی در منطقه است که در ادامه این موضوع را بیشتر توضیح می‌دهیم.

از سوی دیگر ترکیه قصد تغییر بافت جمعیتی جمهوری آذربایجان به عنوان یک کشور شیعی را دارد و بر همین اساس بود که به صورت میدانی در عملیات علیه ارمنستان حضور داشت تا خط جغرافیایی پان ترکیسم در منطقه را به یکدیگر وصل کند. پروژه اتصال خط جغرافیایی پان ترکیسم در منطقه برای ترکیه یکی از پروژه‌های مهم به شمار می‌رود. این خط از نگاه ترکیه از دریای مدیترانه به دریای سیاه و ترکیه و نخجوان جمهوری آذربایجان و از آنجا به سمت آسیای مرکزی و سین کیانگ چین ادامه دارد. با این حال، خط پان ترکیسم در فرآیند اتصال دارای سه مشکل عمده بود که عبارت‌اند از:

۱. مشکل اول اتصال ترکیه به نخجوان بود که با خیانت رضاشاه و واگذاری منطقه قره‌سو در سال ۱۳۱۰ ه‍.ش به ترکیه، مصافتی به طول ۷ یا ۸ کیلومتری در مرز ترکیه با نخجوان ایجاد شد و گام اول این اتصال برقرار گردید.

۲. مشکل دوم این بود که خط جغرافیایی پان ترکیسم اگر چه توسط دریای خزر از آسیای مرکزی جدا شده، اما چون حیات و ممات این خط با معادلات انرژی و تامین مالی پروژه‌ها

مرتبط است، بنابراین ترکیه خیلی مایل است که امکان اتصال خط لوله انتقال انرژی از بستر دریای خزر فراهم شود، یعنی این که گاز کشورهای ازبکستان، قزاقستان و ترکمنستان بتواند از طریق دریای خزر به کشور آذربایجان منتقل شود. وجود این خط لوله برای ترکیه و اهداف پان ترکیستی آن خیلی مهم و حیاتی است. چون خط لوله‌ای که در نخجوان و بین جمهوری آذربایجان و نخجوان از طریق کانال مغری در حال ایجاد است، بدون وصل شدن به آسیای مرکزی از طریق دریای خزر، برای ترکیه فاقد پشتوانه است.

متأسفانه در کنوانسیون سه سال گذشته که در خصوص رژیم حقوقی دریای خزر تشکیل شد، با خواست روسیه و گنجانیدن بندهای ۱۲ و ۱۴ کنوانسیون، با عبور خط لوله از بستر دریای خزر موافقت شد. بنابراین یکی دیگر از مشکلات اتصال جغرافیایی پان ترکیسم به این شکل حل شد. علت اقدام روسیه در این کنوانسیون این بود که در دریای سیاه سهم خود را از معادلات انرژی گرفته بود و در آنجا و مدار ترکیه شده بود، بنابراین برای امتیاز دادن به ترکیه می‌بایست موافقت ایران را با خط انتقال انرژی از بستر دریای خزر جلب می‌کرد.

۳. مشکل سوم و اصلی پان ترکیسم اتصال نخجوان به جمهوری آذربایجان است. اتصال این دو منطقه با توجه به این که ارمنستان ۴۴ کیلومتر مرز مشترک با ایران دارد و شهرستان سیونیک و مغری ارمنستان با ایران هم‌مرز است، از همان ابتدای مناقشه قره‌باغ، ترکیه به دنبال تحت سیطره درآوردن این منطقه‌ی ۴۴ کیلومتری بود. در اینجا باید گفت علت دستگیری نجم‌الدین صادق‌اف رئیس ستاد مشترک جمهوری آذربایجان در روزهای اولیه درگیری هم این بود که به روسیه اطلاع داده بود که آذربایجان، ترکیه و رژیم صهیونیستی به دنبال این هستند که این ۴۴ کیلومتر مرز مشترک را اشغال کنند تا بتوانند خط جغرافیایی پان ترکیسم را محقق نمایند. همچنین علت این که روسیه در مناقشه عکس‌العمل نشان داد و مسئولان روسی گفتند در صورت کشیده شدن جنگ به داخل ارمنستان حتماً روسیه در قالب پیمان امنیت

دسته جمعی اقدام خواهد کرد نیز این موضوع بود. در کشور ما هم خیلی سریع و به موقع، نیروهای نظامی ایران متوجه موضوع شدند و تحرکاتی را در مرزها انجام دادند تا این ۴۴ کیلومتر مرز مشترک دست خوش تغییرات نشود.

وقتی جمهوری آذربایجان نتوانست به خاطر اقدام به موقع نظامیان ایران و هشدار روسیه، کاری را انجام دهد و زمانی که ارمنستان مجاب شد تا با موضوع اتصال خطوط مواصلاتی موافقت کند، آتش بس نوامبر صورت پذیرفت. این آتش بس در ۹ ماده تنظیم شده و ماده ۹ آن مربوط به بحث خطوط مواصلاتی بین جمهوری آذربایجان و نخجوان است. این اقدام نشانگر آن می باشد که مشکل سوم پان ترکیسم بر روی کاغذ و در جریان آتش بس بین آذربایجان، ارمنستان و ترکیه تا حدودی حل شده است و خط جغرافیایی پان ترکیسم می تواند تشکیل شود. ایجاد خط جغرافیایی پان ترکیسم بزرگترین موضوعی بود که در جنگ دوم قره باغ پیگیری می شد. بنابراین، جنگ سال گذشته قره باغ جنگی عادی و یا حقوقی در جهت آزادی اراضی اشغال شده نبوده، بلکه این جنگ پروژه ای بود که اهداف مذکور را داشت و چنان که گفته شد مهم ترین هدف هم اتصال خط پان ترکیسم در منطقه بود.

۲۲. چرا جمهوری آذربایجان نباید بتواند با تسخیر مرز ایران و ارمنستان،

خطوط مواصلاتی خود به نخجوان را تکمیل کند؟

بحثی که الان جمهوری آذربایجان مطرح می کند، ایجاد خطوط مواصلاتی نیست (که البته هم اکنون این خطوط مواصلاتی از طریق ایران، با نخجوان برقرار است)، بلکه آنها بحث ایجاد دالان را مطرح می کنند. این در حالی است که دالان با خطوط مواصلاتی فرق دارد؛ خطوط مواصلاتی تنها کارکرد اقتصادی - ترانزیتی دارد، ولی دالان بار حقوقی دارد و پشت آن، یکسری ادعاهای حقوقی مطرح است؛ یعنی با چشم داشت ارضی و طمع سرزمینی همراه است. با این حال، اگر دغدغه جمهوری آذربایجان، ارتباط با نخجوان است، برای ارتباط

جمهوری آذربایجان با نخجوان، مسیرهای متفاوتی وجود دارد و نیازی نیست که این مسیر حتماً از جنوب ارمنستان بگذرد و اسمش هم دالان باشد، می‌تواند از مسیر کاپان - گوریس باشد که اتفاقاً نزدیک‌تر است یا می‌تواند از داخل ایران باشد. ضمن اینکه با توجه به وضعیت تحولات منطقه، چه تضمینی وجود دارد که در صورت ایجاد خطوط مواصلاتی، پایدار بماند؟ نکته مهم در این میان آن است که برای این منظور، ایران که در ۳۰ سال گذشته بخوبی توانسته ارتباط میان نخجوان با جمهوری آذربایجان و ترکیه را برقرار کند، بیش از هر مسیر دیگری در این راستا مزیت دارد. علاوه بر این، مسیر ایران به لحاظ امنیتی و پایداری نیز تضمین شده است.

۲۳. در آتش‌بسی که سال گذشته بعد از جنگ ۴۴ روزه میان آذربایجان و

ارمنستان منعقد شد، وضعیت ارتباطی جمهوری آذربایجان با نخجوان چگونه

توسیم شده است؟

توافق آتش‌بس به هیچ وجه به جمهوری آذربایجان امکان نمی‌دهد تا در مناطق جنوبی ارمنستان به منظور اتصال زمینی نخجوان به خاک آذربایجان، یک کریدور مثلاً به عرض پنج کیلومتر در اختیار بگیرد. بلکه در این توافقنامه صرفاً به اتصال محورهای مواصلاتی میان جمهوری آذربایجان و نخجوان اشاره شده است ولی مکان یا حتی زمان در خصوص آن مشخص نشده است. اقدام باکو در معادل‌سازی برای دالان لاجین، اقدامی رسانه‌ای و بدون پایه است.

۲۴. آیا منطقه قره‌باغ واقعاً آزاد شده است؟

آرمان اصلی جمهوری آذربایجان در ۲۷ سال گذشته، آزادسازی قره‌باغ و هفت شهر اشغالی در خارج از قره‌باغ بوده است. در جریان مذاکرات سابق مانند گروه مینسک و روندهای موسوم به روند پراگ و مادرید، ارمنستان اعلام آمادگی کرده که آزادی این شهرها همزمان

با تعیین تکلیف حقوقی قره‌باغ باشد. این اراضی آزاد شده، اما قره‌باغ هنوز تعیین تکلیف حقوقی نشده است. اتفاقاً نه تنها به لحاظ حقوقی تعیین تکلیف نشده، بلکه الان با حضور بیش از ۲۰۰۰ نیروی روسی در این منطقه و نیاتی که روسیه در این منطقه دارد مانند دادن تابعیت به شهروندان ارمنی ساکن در این مناطق، دورنمای بسیار مبهمی را برای قره‌باغ ترسیم می‌کند. در چنین وضعیتی، واقعاً بر خلاف ادعای باکو، قره‌باغ آزاد نشده است. این پیروزی که جمهوری آذربایجان تبلیغ می‌کند، بیشتر یک شانتاژ رسانه‌ای و روانی است و در واقعیت، پیروزی‌ای صورت نگرفته است. مجموع تحرکات جمهوری آذربایجان هم به گونه‌ای است که این کشور توجهی به اصل مسئله در قره‌باغ ندارد و گویا مسئله‌ی اصلی آن، ایجاد یک دالان در مرزهای ایران و ارمنستان (به اسم دالان زنگزور) است. بنابراین، از اصل مسئله که قره‌باغ است، دور شده‌اند و به سمت موضوعی دارند می‌روند که در توافقنامه نوامبر سال گذشته بین رؤسای جمهور روسیه، جمهوری آذربایجان و ارمنستان وجود ندارد. البته قابل ذکر است که جمهوری آذربایجان در جنگ ۴۴ روزه سال گذشته با ارمنستان، اینگونه هدفی داشت؛ زیرا رئیس سابق ستاد مشترک ارتش آذربایجان در تماس تلفنی با روس‌ها از تصمیم باکو و آنکارا برای اشغال این منطقه خبر داده بود که البته همان موقع، سریعاً وی را عزل و زندانی کردند.

۲۵. هدف رژیم صهیونیستی از نفوذ در جمهوری آذربایجان چیست؟

سابقه حضور رژیم صهیونیستی در جمهوری آذربایجان، بسیار طولانی و گسترده است. به طور خلاصه، این رژیم در سه مرحله (شیوه) اقتصادی، سیاسی - فرهنگی - امنیتی و در نهایت، نظامی، نفوذ خود در جمهوری آذربایجان را تثبیت کرده و با در پیش گرفتن ۱۲ راهبرد در حوزه‌های مختلف، یک هدف اساسی را در جمهوری آذربایجان دنبال می‌کند که عبارت است از تبدیل جمهوری آذربایجان به پایگاهی منطقه‌ای برای خود. در واقع، رژیم

صهیونیستی در چهارچوب موازنه تهدید وارد جمهوری آذربایجان شده و درصدد ایجاد یک لبنان برای خود است؛ یعنی همان گونه که ایران در نزدیکی این رژیم، در لبنان نفوذ دارد، این رژیم نیز می‌کوشد تا با نفوذ در جمهوری آذربایجان به موازنه‌ای در برابر نفوذ ایران در لبنان بپردازد. بر این اساس، هدف رژیم صهیونیستی، با ایجاد روابط راهبردی با آذربایجان محقق نمی‌شود و بنابراین، درصدد تبدیل آن به پایگاه منطقه‌ای صهیونیسم است.

نکته مهم در این میان آن است که بعد از آن سه مرحله، رژیم صهیونیستی به منظور قبح‌زدایی از خود در ذهنیت مردم مسلمان جمهوری آذربایجان و تکمیل پروه نفوذ خود در این کشور، در جنگ ۴۴ روزه سال گذشته قره‌باغ سه نقش مهم را به نفع جمهوری آذربایجان ایفا کرد:

۱. اجماع‌سازی در غرب به نفع آذربایجان؛ زیرا پیش از این، کشورهای غربی موافق حمله آذربایجان به قره‌باغ نبودند؛

۲. فروش گسترده تسلیحات به آذربایجان تا سقف پنج میلیارد دلار؛

۳. حضور مستقیم نظامی در جنگ سال گذشته قره‌باغ؛ به گونه‌ای که علاوه بر حضور اطلاعاتی، افسران صهیونیستی در هدایت پهپادها و ... نیز نقش داشتند.

۲۶. بعد از جنگ قره‌باغ، جمهوری آذربایجان چه تعهداتی نسبت به رژیم

صهیونیستی داده است؟

در مقابل حمایتی که صهیونیست‌ها از جمهوری آذربایجان در جنگ اخیر قره‌باغ به عمل آوردند، این رژیم چند تعهد مهم از جمهوری آذربایجان گرفته است که عبارت‌اند از:

۱. جمهوری آذربایجان به شکل غیررسمی پایگاهی به منظور دپوی سلاح‌های سنگین در اختیار رژیم صهیونیستی قرار دهد. در واقع، می‌خواهند از آن پایگاه، هم ایران را رصد کنند و هم در مواقع ضروری، از آنجا به ایران ضربه بزنند.

۲. استقرار پایگاه‌های تحقیقاتی و پهبادی در جمهوری آذربایجان که البته تاکنون به صورت محدود وجود داشته و در چندین نوبت هم از داخل جمهوری آذربایجان، علیه ایران عملیات پهبادی انجام داده‌اند.

۳. گسترش مراکز شنود، جاسوسی و اطلاعاتی در جمهوری آذربایجان. بویژه بعد از ضرباتی که رژیم در ارپیل عراق متحمل شده، جمهوری آذربایجان را برای جبران مافات خود، نقطه‌ی مناسبی می‌داند.

۴. واگذاری بازسازی اراضی آزادشده قره‌باغ به رژیم صهیونیستی در قالب ایجاد «روستاهای هوشمند» و تأکید بر اینکه هیچ شرکت ایرانی نباید در این بازسازی شرکت کند.

۵. شروع فاز جدیدی از تحرکات قوم‌گرایانه در ایران. قابل ذکر است که جمهوری آذربایجان و ترکیه نیز مهمترین ابزار فشار خود بر ایران را در همین نقطه ارزیابی می‌کنند و تصور می‌کنند که با تحریک قوم‌گرایان در ایران می‌توانند ایران را وادار به سکوت و تسلیم در برابر نقشه‌ی خود کنند.

۲۲. موضع روسیه در قبال تحرکات ترکیه و جمهوری آذربایجان برای تصرف

خط مرزی ارمنستان و ایران و ایجاد دالان زنگزور چیست؟

ترکیه و جمهوری آذربایجان در جریان جنگ ۴۴ روزه سال گذشته قره‌باغ مصمم بودند تا این دالان را ایجاد کنند که همان زمان با اعلام مخالفت روسیه مواجه شدند و از این کار خودداری کردند. جالب آنکه همان موقع روسیه اعلام کرد که چنانچه این کار صورت گیرد، در چهارچوب پیمان‌های دوجانبه با ارمنستان و پیمان امنیت دسته‌جمعی، این کشور با مهاجمان برخورد خواهد کرد. با این حال، در جریان وقایع روزهای اخیر و طرح مجدد احتمال تسخیر این دالان توسط ترکیه و جمهوری آذربایجان، روسیه موضع جدی و قاطعی نداشت. به نظر می‌رسد که روسیه در این زمینه تلاش داشت تا هزینه‌های ممانعت از این اقدام

را ایران پردازد. البته باید توجه داشت که یکی دیگر از دلایل عدم موضع گیری روسیه نسبت به این قضیه، شاید به این واقعیت برگردد که روسیه هنوز درک عمیقی از ماهیت بحران ساز پروژه پان ترکسیم ندارد و تصور می کند که تسخیر مرزهای جنوبی ارمنستان، تهدید مستقیمی علیه منافع و امنیت آن نخواهد بود.

۲۸. پروژه پان ترکسیم چه تهدیدهایی برای روسیه و چین دارد؟

پروژه جهانی پان ترکسیم که ترکیه پیگیری می کند، از چهار جهت اساسی برای روسیه و چین تهدید آفرین است:

۱. از بین رفتن مزیت گازی آسیای مرکزی برای چین، با توجه به نزدیکی آسیای مرکزی به چین؛ زیرا در صورت ایجاد دالان تورانی و انتقال گاز ازبکستان، ترکمنستان و قزاقستان به اروپا، چین دیگر نمی تواند گاز خود را از این کشورها در سطح فعلی تأمین کند.

۲. از بعد ترانزیتی نیز به ضرر روسیه و چین است؛ زیرا دسترسی روسیه به خلیج فارس را محدود می کند و در مسیر اجرای طرح یک کمر بند - یک راه چین هم خلل وارد می کند.

۳. از بعد قوم گرایانه نیز می تواند در مناطق ترک نشین چین و روسیه، با فعال سازی پتانسیل های قومی، مسأله ساز باشد.

۴. تشدید محاصره روسیه و چین از سوی ناتو که در بخش تمایل آنکارا برای ایجاد ناتوی ترکی و اتصال آن به غرب در بلند مدت در سوالات بالا اشاره شد.

فصل چهارم:

راهکارهای مقابله با فتنه‌انگیزی در منطقه شمال غرب

۲۹. برای خنثی‌سازی و مقابله با اهداف ترکیه و آذربایجان در تغییر ژئوپلیتیک منطقه قفقاز چه اقداماتی می‌توان انجام داد؟

در این خصوص، حداقل در ۱۱ محور می‌توان اقدامات مهمی انجام داد:

۱- جلوگیری از تصویب کنوانسیون رژیم حقوقی دریای خزر در مجلس؛ مهم‌ترین راهکار در جلوگیری از تبعات زیان‌بار توافقات اخیر جمهوری آذربایجان و ترکیه بعد از جنگ اخیر قره‌باغ، جلوگیری از تصویب کنوانسیون رژیم حقوقی دریای خزر در مجلس شورای اسلامی است. با توجه به این که این کنوانسیون امضاء شده است، تنها راه در این شرایط این است که مجلس شورای اسلامی در تصویب آن براساس منافع ملی عمل کند. مثل

بسیاری از کنوانسیون‌های بین‌المللی که در سطح اجرائی به امضاء می‌رسد، ولی در سطح پارلمانی به تصویب نمی‌رسد و بنابراین تعهد اجرایی لازم را نخواهد داشت؛ زیرا با توجه به آنچه در بالا گفته شد، این کنوانسیون یکی از مشکلات مهم پیش‌روی ایجاد خط پان‌ترکیسم از سوی ترکیه را حل کرده است و بنابراین نباید در مجلس شورای اسلامی تصویب شود. عدم تصویب یک کنوانسیون در مجلس مغایرتی با عرف حقوق بین‌الملل ندارد.

۲- **زنده نگه داشتن موضوع تهدید تکفیریسیم در نزدیکی مرزهای ایران؛** یکی از موضوعاتی که خصوصاً از نظر نظامی و امنیتی باید مورد بررسی قرار گیرد این است که ایران باید نسبت به زنده نگه داشتن بحث تکفیری‌ها اهتمام ورزد و با توجه به این که بحث تکفیری‌ها یک پدیده فرآیندی است، نباید بگذاریم که این موضوع از اذهان رسانه‌ها و اتاق‌های فکر ایران خارج شود و همان‌طور که مقام معظم رهبری هم بیان فرمودند «اگر تروریست‌ها نزدیک مرزهای ایران بیایند، برخورد قاطع می‌کنیم»، باید نسبت به این خطر هوشیار بود. در این جهت باید در رسانه‌های ایران این موضوع همواره مطالبه شود که جمهوری آذربایجان نسبت به خارج‌سازی تروریست‌های تکفیری از این منطقه اقدام نماید و در صورتی که خارج نشدند اقدامات لازم را انجام دهیم تا جغرافیای شیعی منطقه دچار تغییر نشود؛ زیرا اگر جمعیت شیعی منطقه حفظ شود، قدرت مانور ترکیه در منطقه بسیار کم خواهد بود. باید توجه داشته باشیم که عثمانی در زمان‌هایی حتی تا تبریز هم پیش‌روی کرده است، اما چون نتوانسته به بافت اعتقادی و جمعیتی دست بزند، مجبور به عقب‌نشینی شده و در مرزهای خود مستقر شده است. نکته مهم در این زمینه آن است که همچنان که به هنگام تحرکات داعش در عراق، شعاع امنیتی چند کیلومتری در آن سوی مرز ایران با عراق تعریف شد، باید سعی شود از طریق دیپلماسی فعال با باکو، این موضوع به مقامات آن کشور تفهیم و

حضور و نفوذ عناصر تروریستی تکفیری و صهیونیستی تا شعاع چند کیلومتری مرزهای جمهوری آذربایجان با ایران به مثابه اقدامی علیه امنیت ملی ایران تعریف شود.

۳- هشدار به جمهوری آذربایجان در زمینه استقرار پایگاه‌های رژیم صهیونیستی در منطقه؛ در این زمینه باید به جمهوری آذربایجان راجع به استقرار پایگاه‌های رژیم صهیونیستی تحت هر عنوانی که باشند، هشدار لازم داده شود. این موضوع باید جزء خطوط قرمز جمهوری اسلامی ایران به طرف آذربایجانی تفهیم و تبیین شود و در این خصوص هیچ گونه کم کاری نباید صورت پذیرد.

۴- جهاد تبیین و روشنگری در افکار عمومی آذربایجان؛ در آذربایجان محافلی وجود دارد که معتقدند نقشه قره‌باغ دچار تغییر شده و وضعیت حقوقی آن مشخص نشده است. در این محافل این سؤال مطرح می‌شود که آیا امکان دارد منطقه‌ای در زمان تصدی شوروی به صورت ولایت خودمختار اداره می‌شده است، الان خودمختاری آن را سلب کنند؟ همچنین اعتقاد بر این است که دخالت روسیه در این قضیه منجر به ایجاد شرایط بغرنجی شده است. بنابراین، باید در افکار عمومی جمهوری آذربایجان این موضوع تبلیغ و ترویج شود که مسئله قره‌باغ نه تنها حل نشده، بلکه پیچیده‌تر هم شده است.

۵- مشارکت در بازسازی اراضی آزاد شده جمهوری آذربایجان؛ مشارکت ایران در بازسازی اراضی اشغالی جمهوری آذربایجان جهت بررسی تبعات و نحوه انجام کار و با این توجیه که کشور ایران دارای مرز مشترک طولانی با آن می‌باشد و با توجه به این که ایران علی‌رغم همه تبعات درگیری از تمامیت ارضی این جمهوری حمایت کرده است و بنابراین باید حضور مستقیم در این زمینه داشته باشد، از جمله دلایلی هستند که باید برای این حضور مستقیم اقامه کرد و باید این واقعیت را تبلیغ کرد که در طول تاریخ تنها کشور هوادار صلح در منطقه قفقاز، ایران بوده و دیگر کشورها این سیاست را نداشته‌اند.

۶- **مقاومت ایران بر موضوع عدم اجازه به ایجاد دالان مغری؛** راهکار دیگر این است که ایران به هیچ وجه راجع به ایجاد دالان در نزدیکی مرزهای خود (دالان مغری، دالان سیونیک و یا دالانی که جمهوری آذربایجان از آن با عنوان جعلی دالان زنگزور نام می‌برد و آن را جزء سرزمین‌های خود می‌دانند) کوتاه نیاید. در این زمینه اقدامی که باید ایران انجام دهد، این است که حتماً ارمنستان را مجاب کند که به هیچ وجه نباید دالان میان جمهوری آذربایجان و نخجوان ایجاد شود. در حال حاضر طرحی وجود دارد که بسیار هوشمندانه می‌باشد که با ایجاد راه ترانزیتی از مناطق میانی قره‌باغ و با عبور از منطقه خان‌کندی و لاجین، وارد ایروان شده و از آنجا تا نخجوان حدوداً ۴۰ کیلومتر مسافت طی می‌شود طبیعتاً تبعات ایجاد این خط مواصلاتی برای ایران خیلی کمتر از آن است که در مرز مشترک ایران اقدام به ایجاد کریدور نمایند.

۷- **امضاء و تمدید قراردادهای بلندمدت انرژی میان ایران با کشورهای منطقه؛** طی پنج سال آینده اعتبار تمامی قراردادهای ایران با ارمنستان، نخجوان و ترکیه که در زمینه انرژی منعقد شده، ملغی خواهد شد، اگر این کشورها بتوانند طی چهار سال آینده خطوط انتقال انرژی را بین کشورهای خود برقرار کنند، از لحاظ حقوقی با توجه به اتمام اعتبار قرارداد آن‌ها با ایران، مشکل و مانعی پیش‌روی آن‌ها نخواهد بود، اما اگر شرایط منطقه و درگیری‌ها به گونه‌ای پیش رفت که زمان بیشتری برای حل و فصل این مسائل لازم باشد، در آن صورت این کشورها مجبور هستند که پای مذاکره با ایران بنشینند و قراردادهای خود را تمدید کنند و البته آن‌ها بیش‌تر به تمدید کوتاه مدت نظر دارند، در این وضعیت ایران باید به جای قراردادهای کوتاه مدت، به امضای قراردادهای طولانی مدت ۲۰ ساله بپردازد.

۸- **همکاری با چین و روسیه بر اساس تهدید مشترک پان توکیسم؛** پان توکیسم طرحی انگلیسی-آمریکایی است که تنها هدفش مهار ایران، چین و روسیه است. این طرح این

ظرفیت را دارد که مناطق ترک‌نشین روسیه از کریمه گرفته تا قفقاز شمالی، منطقه سین‌کیانگ چین و مناطق ترک‌نشین ایران را با چالش و بحران درگیر کند. علاوه بر این، وقتی طرح پان‌ترکیسم با معادلات انرژی همراه شود، یعنی گاز آسیای مرکزی که می‌تواند در آینده موجب پیشرفت چین و روسیه شود با نقشه‌های ترکیه و با شکل‌گیری توافق میان کشورهای ترک‌زبان به اروپا منتقل شود، دامنه این بحران وسیع‌تر می‌شود. همچنین پان-ترکیسم می‌تواند طرح احیاء جاده ابریشم که چین آن را دنبال می‌کند، تحت تأثیر قرار دهد. بر این اساس، ایران باید این زاویه‌ها و سویه‌های تهدید پان‌ترکیسم را برای پکن و مسکو برجسته کند و به همکاری با چین و روسیه بپردازد تا بتواند جلوی پان‌ترکیسم را مسدود نماید.

۹- هوشیاری ایران در قبال اقدامات روسیه در قره‌باغ؛ هرچند پان‌ترکیسم برای روسیه هم دارای تهدیداتی است، اما این کشور به عنوان یک بازیگر موثر در این منطقه، در جنگ اخیر قره‌باغ با نوعی عمل انجام شده مواجه شد و بنابراین سعی کرد حداکثر امتیازات را به دست آورد. مهم‌ترین کاری که روسیه انجام داد این بود که طبق مفاد صلح‌نامه حدود ۲۰۰۰ نیرو را که در عمل بیشتر از این تعداد است، در منطقه مورد منازعه مستقر کرده است و این اقدام نشان می‌دهد که روسیه خواستار این است که اداره قره‌باغ را بصورت مستقیم در دست داشته باشد. زیرا تجربه نشان داده است روسیه در کشوری که نمی‌تواند اداره آن را در دست داشته باشد، حداقل گوشه‌ای از آن را در اختیار خود می‌گیرد؛ مثلاً در گرجستان، آبخازیا و اوستیای جنوبی را در دست خود نگه داشته است. با این توضیحات، روسیه به دنبال این است که قره‌باغ را هم بدین صورت اداره کند و در شرایط کنونی استقرار صلح‌بانان روسی در قره‌باغ برای این کشور این شرایط را فراهم کرده که هرگونه تحرک جمهوری آذربایجان و ارمنستان را در این منطقه محدود کند. اقدام دیگر روسیه این است که اعطای تابعیت روسی به ساکنان قره‌باغ را شروع کرده و این کاری است که روسیه در اوستیای جنوبی هم به مردم آنجا تابعیت داد و بعد به بهانه این که آن‌ها شهروندان روسی هستند، به حمایت از آنان پرداخت.

در قره‌باغ هم روسیه سعی دارد این نقشه را پیاده کند و به این ترتیب این منطقه را در کنترل و اداره خود نگه دارد.

۱۰- به رسمیت شناختن نسل‌کشی ارمنه؛ در صورت تداوم اقدامات ترکیه در مناطق شمالی ایران، مجلس شورای اسلامی می‌تواند موضوع به رسمیت شناختن نسل‌کشی ارمنه از سوی ترکیه را در دستور کار قرار دهد. گفتنی است اقدام عثمانی در کشتار گسترده ارمنی‌ها در دوران جنگ جهانی اول توسط کشورهای مختلف دنیا محکوم شده و این نسل‌کشی به رسمیت شناخته شده است و حتی برخی کشورهای منطقه همچون سوریه و لبنان آن را به رسمیت می‌شناسند. در جمهوری اسلامی ایران نیز در زمان مجلس ششم، تعداد ۳۰ نماینده با امضای طوماری این واقعه را محکوم کردند و همچنین سیدمحمد خاتمی، در مقام ریاست جمهوری ایران در سفر به ارمنستان از یادمان نسل‌کشی ارمنی‌ها دیدن و با نثار گل به قربانیان این فاجعه ادای احترام کرد و وقتی غلامعلی حداد عادل، رئیس اسبق مجلس در سال ۱۳۸۵ به ارمنستان سفر کرد، در هامالیر، نماد کشتار ارمنه به دست ترکان عثمانی، حاضر شد و با نثار شاخه‌های گل، یاد کشته‌شدگان این حادثه را گرامی داشت. این سابقه می‌تواند مورد توجه قرار گیرد و به دولت آنکارا تفهیم شود که در صورت عدم رعایت منافع ملی ایران با بهره‌برداری از مناقشه قره‌باغ، نمایندگان مجلس ایران حاضرند نسل‌کشی ارمنه را به رسمیت بشناسند.

۱۱- کنترل جدی پان‌ترکیست‌ها در ایران؛ ترکیه و رژیم صهیونیستی، بازی با کارت پان‌ترکیسم و تجزیه‌طلبی را مهمترین برگ‌برنده‌ی خود در قبال ایران (در خصوص تحولات قفقاز جنوبی) می‌دانند. در واقع، آنها با برجسته‌سازی تحركات قومی و تجزیه‌طلبانه در ایران درصدد هستند تا مانع از هرگونه اقدام ایران در مخالفت با تحركات آنها در قفقاز جنوبی شوند. بر این اساس، ضمن روشنگری برای افکار عمومی در مناطق آذری‌نشین ایران در خصوص نقشه‌های ترکیه و رژیم صهیونیستی، باید با اقدامات اطلاعاتی- امنیتی، هسته‌های رادیکال پان‌ترکیسم را کنترل کرد.